

نوسازی مسکن و دگرگونی ساختاری - کارکردی خانه‌های روستایی مورد: روستاهای شهرستان ایجرود (استان زنجان)

عباس سعیدی^۱، مصطفی طالشی^۲ و علیرضا رابط^۳

چکیده

مسکن به‌مثابه جزئی از نظام فضایی روستا از ویژگیهای خاص ساختاری- کارکردی برخوردار است. این پدیده در دهه‌های اخیر به‌سبب گسترش فعالیتهای عمرانی، در معرض دگرگونی قرار گرفته است. یکی این گونه طرحها، طرح بهسازی و نوسازی مسکن روستایی است که اجرای آن در برپایی دگرگونی در ساخت و کارکردهای خانه‌های روستایی نقش آشکاری برعهده داشته است. با توجه به ترغیب شهرگرایی و فقدان توجه لازم به ارتباط بین ساختار و کارکردهای خانه‌های روستایی، این دگرگونیها در پاره‌ای موارد زمینه‌ساز ایجاد نوعی دوگانگی بین مسکن و فعالیتهای بنیادین خانوارهای روستایی شده است. این مقاله می‌کوشد، دگرگونی‌های حاصل از فعالیتهای نوسازی (و بهسازی) در عرصه مسکن روستایی را در چارچوب قانونمندی عام رویکرد "پویش ساختاری- کارکردی" مورد تدقیق قرار دهد. این قانونمندی حاکی از این واقعیت آشکار است که تغییر در ساختار کالبدی، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، زمینه دگرگونی فعالیتهای و روابط را هم فراهم می‌آورد.

کلیدواژگان: نوسازی؛ مسکن روستایی؛ نظام مکانی- فضایی؛ پویش ساختاری- کارکردی؛ ایجرود.

۱. استاد گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

a-saidi@sbu.ac.ir

۲. دانشیار گروه جغرافیای انسانی، مرکز تخصصی دکتر، دانشگاه پیام‌نور

۳. دانشجوی دوره دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی

مقدمه و طرح مساله

اگر بپذیریم که محیط عرصه‌ای است که گروه‌های انسانی در آن زندگی می‌کنند و توسعه از اعمالی است که در آن به‌انجام می‌رسانند، به‌امید آنکه عرصه زیستی خود را قابل قبول، معنادار و همراه با آسایش سازند، بدانیم که این پذیرش مستلزم مبارزه و تلاش جدی و وسیع فرهنگی است، تا از این طریق زمینه‌های هر چه گسترده‌تر و لازم برای گفتگو و مشارکت مداوم تمام آحاد جامعه در روند تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌های رشد و توسعه فراهم آید (سعیدی، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

محیط، عرصه‌ای زنده و پویاست، چنان‌که فضای حاکم بر آن زنده و پویاست. زندگی و پویایی یعنی دگرگونی مستمر در بطن و متن، زیرا توسعه نوعی کوشش در بهبود محیط و اصلاح فضای حاکم است. بدینسان، محیط، فضا و توسعه درسرشتی بنیادین هم سرنوشت هستند. تفکیک این سه مقوله از هم، به‌معنای خطایی است در شناخت الزامات همزیستی اجزای اصلی پوشش نظام فضایی. محیط به‌عنوان یکی از اجزای اصلی نظام فضایی، از دیرباز مورد عنایت خاص جغرافیدانان بوده است. درچارچوب این دانش، محیط نوعی نظام بنیادین و بستر نظام اجتماعی - اقتصادی به‌شمار می‌آید که ساختها (بسترهای مختلف) و کارکردها (فعالیتها و روابط) بر آن تکیه دارند (همو، ۱۳۸۹: ۶). به‌سخن دیگر، نوع روابط و مناسبات سیاسی و اجتماعی - اقتصادی، درجه رشد فرهنگی و روندهای تحول و تغییرپذیری گروهها و جوامع انسانی در گذر زمان، تعیین‌کننده نهایی نوع، دامنه و ابعاد دخالت در نظام طبیعی و درنهایت، شکل‌دهی و تحول نظام اجتماعی - اقتصادی است (همو، ۱۳۸۹: ۷).

در این بین، دستیابی به شبکه‌ای منظم و سلسله‌مراتبی از واحدهای سکونتگاهی روستایی و حفظ آن، مسلماً منوط به‌عینیت‌یافتن الزامات و زمینه‌هایی است که رشد و توسعه اجتماعی - اقتصادی از اولین آنها به‌شمار می‌رود. به‌عبارت دیگر، بدون سیاست‌گذاری‌های متناسب و کارکردهای مطلوب و همسو، در چارچوبی منطقی و مبتنی بر ویژگی‌های مکانی - فضایی در جهت بهبود شرایط و امکانات زیستی - اجتماعی - اقتصادی همراه با تأکید بر توانمندی‌های طبیعی - اکولوژیک نمی‌توان انتظار داشت، شبکه‌ای منظم و پایدار از سکونتگاه‌ها در سطوح مختلف ملی، ناحیه‌ای و محلی پدیدار شود (سعیدی و حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۱۱).

آنچه امروز اهمیتی روزافزون دارد، این واقعیت است که نه تنها جوامع به‌طور کلی، بلکه جماعت‌های روستایی هم در حال پیچیده‌تر شدن روزافزون هستند. این‌گونه پیچیدگی در تنوع‌پذیری الگوهای فعالیت و جابجایی افراد، خانوارها و نهادها و به‌طور کلی، در حجم روزافزون جریان اطلاعات، سرمایه، نوآوری و... به خوبی قابل ردیابی است (سعیدی، ۱۳۸۹: ۴).

با توجه به مشکلات و نارسایی‌های موجود در بافت و کالبد مسکن روستایی، دستگاهها و نهادهای درگیر با انجام طرح‌هایی اقدام به مداخله در این محیط نموده و می‌نمایند. طرح بهسازی و نوسازی مسکن با توجه به اهداف و روش، مسکن روستایی را که مشمول این‌گونه طرحها هستند، با شرایط و فضای خاصی و چه‌بسا ناخواسته‌ای روبرو ساخته است.

توجه به مقوله مقاومت‌سازی واحدهای مسکونی روستایی از سال ۱۳۸۴ در برنامه چهارم توسعه، در ادامه طرح بهسازی مسکن روستایی، که از سال ۱۳۷۴ توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، با هدف نوشته‌شده ارتقای سطح ایمنی، بهداشتی، رفاه و آسایش روستاییان، آغاز شده بود، به‌طور گسترده و بابت‌گیری از اعتبارات ملی، با نگرشی جدیدتر و وسیع‌تر مورد توجه قرار گرفته است (بنیادمسکن، ۱۳۸۶: ۲۵). در همین حال، با عنایت به پیوستگی ساختاری-کارکردی نظام‌های مکانی-فضایی، می‌توان انتظار داشت تغییر و دگرگونی در یک جزء از اجزای ساختاری یا کارکردی یک نظام، بر پایه ارتباط نظاموار، ممکن است به سایر اجزای نظام انتقال یافته و زمینه تغییر و دگرگونی کل نظام را فراهم آورد (سعیدی، ۱۳۹۰: ۱۳).

بدین ترتیب، شکل‌دهی و نظم‌بخشی به عرصه‌های مکانی-فضایی در واقع از آغاز زندگی بشر و از زمان بهره‌گیری از منابع طبیعی، به‌ویژه زمین و آب، پیوسته در مقیاس و مفهومی متفاوت مطرح بوده است. در این ارتباط، هر چند سطح فرهنگ بالا رفته است، شکل عمومی سازماندهی و انتظام محیط و ابزار و دانش فنی گروه‌های انسانی پیشرفته‌تر شده است (همو، ۱۳۷۷: ۴۶).

ایجاد تحول مثبت در ابعاد مختلف جامعه و سکونتگاه‌های انسانی از مهمترین اهداف توسعه، از جمله توسعه روستایی است. این مهم در عرصه‌های روستایی بایستی، ضمن توجه به شأن، منزلت و کرامات انسانی در ابعاد مختلف و متنوع تجلی یافته و به نحوی پایدار، زمینه و بستر لازم را برای ایجاد تحول در ساختارها و کارکردهای این جوامع فراهم نماید. بسیاری از سکونتگاه‌های روستایی کشور با مسایل و مشکلات متنوع و در ابعاد مختلف روبرو هستند که بعضاً ریشه در گذشته تاریخی آنها دارد، هرچند برخی دیگر در پی دگرگونی‌های سال‌های اخیر

بروز و ظهور یافته‌اند. کمبود سرمایه‌گذاری‌های لازم و فقدان مدیریت کارآمد در فضای زیست، با توجه به روند رشد و توسعه کشور و اهمیت توجه به ابعاد توسعه پایدار، بسترسازی برای تحولی آگاهانه و مدبرانه در فضای زیست، سکونت و تولید جوامع روستایی امری ضروری به نظر می‌آید. در همین ارتباط، لازم است به مسکن روستایی به‌عنوان جزئی از اجزای اصلی بافت روستا توجه لازم مبذول گردد.

در سال‌های اخیر، سیاستهای توسعه مسکن در ایران به‌طور کلی و مسکن روستایی بطور اخص که قاعداً توسط بنیاد مسکن اعمال می‌شود، جنبه‌های مختلف، از جمله استقرار بهینه و مقاوم‌سازی در برابر سوانح طبیعی، نوسازی و بهسازی واحدهای مسکونی را در عرصه‌های روستایی کشور را در برمی‌گیرد. در این راستا، تخصیص تسهیلات مالی به روستاییان در سالهای اخیر توانسته است دگرگونی‌هایی در زمینه‌های یاد شده و همچنین بافت عمومی بسیاری از روستاها ایجاد نماید. نکته اساسی در این میان، الگوبرداری‌های یکنواخت و رواج طرح و الگوی مسکن به اصطلاح شهری در محیط‌های روستایی زمینه‌ساز نوعی دگرگونی ساخت‌وساز و دگردیسی بافت روستاها شده است که بعضاً ناهماهنگی‌هایی را در این محیط‌ها پدید آورده است.

براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵، حدود ۹۰.۶ درصد جمعیت شهرستان ایجرود روستایی بوده و ۸۳۰۳ خانوار این محدوده هم در ۷۶ روستا و در ۷۲۵۹ واحد مسکونی زندگی می‌کنند. با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده اکثر واحدهای مسکونی این محدوده روستایی از کیفیت مناسبی برخوردار نبوده و حدود ۷۴ درصد از واحدهای مسکونی این شهرستان غیرمقاوم هستند. با توجه به اقدامات انجام‌یافته توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تعداد ۳۷۱۱ واحد مسکونی روستایی این شهرستان، یعنی ۵۱ درصد از کل مسکن روستایی شهرستان ایجرود تا سال ۱۳۹۱ مقاوم شده‌اند. در همین راستا و جهت بررسی اثرات طرح بهسازی و نوسازی بر ویژگیهای ساختاری - کارکردی مسکن روستایی فرضیه‌های اصلی پژوهش حاضر حول دو محور اساسی زیر تدوین شده است:

- طرح بهسازی و نوسازی دگرگونی ساختاری - کارکردی مسکن روستایی را به همراه داشته است.
- دگرگونی ساختاری - کارکردی مسکن روستایی منجر به دگرگونی و حتی دگردیسی روابط و فعالیت‌های معیشتی خانوارهای روستایی شده است.

ضرورت پژوهش

با یک نگرش نظامی این موضوع بخوبی آشکار می‌شود که روستانشینی به نوعی با مشکلات و نارسائی در نظام و کارکرد خود روبرو بوده و در رابطه متقابل بین شهر و روستا بیشترین زیان در نظام مکانی- فضایی، اختصاص به‌روستا دارد. سابقه برنامه‌ریزی در کشور ایران حدود ۶۶ سال است، اما تفکر و روش اجرای آن به‌نوعی با آزمون و خطا و در مواردی، شتاب زده و فرمایشی بوده است. کمیّت و کیفیت برنامه‌ریزی‌های اجتماعی- اقتصادی در کشور در دوره‌های زمانی مختلف شرایط را به گونه‌ای رقم زده است که جامعه روستایی کشور، از نتایج برنامه و طرح‌های اقتصادی و اجتماعی کشور برای احیا و شکوفایی بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی خود سهم ناچیزی داشته باشند.

دستیابی به فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی و تحقق عدالت اجتماعی با برخورداری جوامع انسانی و علی‌الخصوص جامعه محروم روستایی از زیرساخت‌ها و امکانات مناسب زندگی، به‌عنوان حقوق اصلی و مسلم این افراد شناخته می‌شود. همچنین ضرورت توجه همه‌جانبه به تمام ابعاد و جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستانشینان و توجه به این نظام به‌عنوان یک پدیده مهم فضایی و مکانی، به‌کارگیری و اتخاذ سازوکاری مناسب و درخور شأن این جامعه، امری واجب و گزیرناپذیر است.

با توجه به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی سکونتگاه‌های روستایی کشور و برای رفع نیازهای مادی و معنوی گروه‌های انسانی ساکن در این محیط، از سوی نهادهای متولی توسعه و عمران روستایی فعالیت‌هایی در عرصه مکانی- فضایی آغاز شده است. در واقع، این‌گونه فعالیتها در محیط، با کمیّت و کیفیت متفاوت، بازتاب‌های مکانی- فضایی خاصی را تاکنون به همراه داشته است. با توجه به نقش و اهمیت توسعه و پایداری آن، توجه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و ایجاد تحول در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه روستایی، می‌توان به‌عنوان مهمترین اهداف برنامه‌های توسعه‌ای در کشور به‌حساب آید.

در نتیجه، زیرساخت‌های نامناسب واحدهای سکونتگاهی روستایی، نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی موجود میان مراکز شهری و نقاط روستایی و هم‌جاذبه‌ها و دافعه‌های جاری در این میان، در کنار سایر عوامل در گذر زمان، باعث تشدید نابسامانی فضایی شبکه سکونتگاهی

کشور شده است، افزون بر این، نبود زمینه‌های کافی علمی - مطالعاتی و شتابزده‌گی‌های ناگزیر در برخی طرح‌ریزی‌ها و برنامه‌گزاری‌ها در سال‌های اخیر، بدین روندها دامن زده است (همو، ۱۳۸۸: ۹۰). وجود نابرابری‌های کمی و کیفی میان عرصه‌های شهری و روستایی و تشدید آنها طی روندهای دگرگون‌ساز دهه‌های اخیر، ضرورت جستجوی راههای خروج از مسئله و تعدیل نابرابری‌ها را به‌طور جدی مطرح ساخته است. تضاد میان جنبه‌های کیفی زندگی در شهرها و روستاها و جابجایی مکانی و مهاجرت گسترده گروه‌های روستایی به سوی شهرها به‌امید برخورداری از امکانات متنوع‌تر و تسهیلات مناسب‌تر زیستی، نه تنها در حوزه‌های روستایی، که در حوزه‌های شهری هم باعث مسایل و معضلاتی در ابعاد گوناگون شده است (همو، ۱۳۸۸: ۱).

مبانی نظری

بین موقعیت مکانی - فضایی، ساختار مکانی، روابط فضایی و جایگاه کارکردی سکونتگاه‌ها مناسبات و بستگی‌های تنگاتنگی وجود دارد. به‌سخن دیگر، از آنجا که میان نحوه مکان‌گزینی و کارکردیابی سکونتگاه‌های روستایی ارتباطی منطقی وجود دارد، می‌توان از طریق بررسی موقعیت استقرار، به‌تیین کارکرد، وزن و رتبه آنها پرداخت (همو، ۱۳۸۸: ۲۴۳). موقعیت کارکردی بیش از هر چیز مبین روابط و فعالیت‌های درونی و بیرونی سکونتگاه‌های روستایی است. به‌سخن دیگر، موقعیت کارکردی بر مبنای شکل و دامنه فعالیت‌ها و روابط و نحوه پاسخ‌گویی به‌نیازها و تقاضاهای گوناگون ساکنان سکونتگاه‌ها و هم‌حوزه‌های پیرامونی آنها تعیین می‌شود (همو، ۱۳۸۸: ۲۴۴).

کارکردهای سکونتگاه‌های روستایی، به‌طور کلی، به‌دو جنبه بنیادی بستگی و ارتباط دارند: نخست، ساختار کالبدی و اجتماعی - اقتصادی روستا و دیگر اهداف متصور بر اجتماع جماعت روستایی. بر این مبنای کارکردهای مختلف روستاها که از لحاظ مفهومی شامل مجموعه فعالیتها و ارتباطات ناشی از آنهاست، با توجه به‌این اهداف و ساختارها پدیدار و امکان‌پذیر می‌گردند. به‌سخن دیگر، به‌واسطه ارتباط و وابستگی تنگاتنگ ساختارها و کارکردهای روستایی، نمی‌توان بدون فراهم بودن بسترهای لازم ساختاری، پذیرش یا تحقق کارکرد یا کارکردهایی را از سکونتگاه‌ها انتظار داشت. کارکرد از لحاظ معنایی در زمینه‌ها و

علوم مختلف با مفاهیم متفاوتی به کار می‌رود. آنچه که در ارتباط با بررسی و شناخت سکونتگاه‌های انسانی مطرح است، عمدتاً بر نقش‌پذیری، فعالیت، کارایی و نوعی حضور فضایی دخالت دارد. به تعبیر دیگر، کارکرد مبین مجموعه فعالیت‌ها و دامنه ارتباطی سکونتگاه است. بدین ترتیب، انواع کارکردهای سکونتگاه‌های روستایی را می‌توان با توجه به نیازهای بنیادی گروه‌های انسانی به‌عنوان کارکردهای اساسی اجتماع روستایی مورد بحث قرار داد. به عبارت دیگر، این کارکردها به‌نحوه برخورد و نوع و دامنه فعالیت گروهها و جماعت‌های روستایی به‌منظور پاسخگویی به نیازهای گوناگون خود باز می‌گردد (همو، ۱۳۸۸: ۲۴۹).

بدون تردید یکی از عوامل مؤثر در کاهش استانداردهای زندگی نواحی شهری و روستایی و در نهایت، مهاجرت‌های روستایی وجود مسکن مناسب و در حد استانداردهای لازم است. مسکن یکی از ضروری‌ترین نیازهای خانوارهای روستایی به‌شمار می‌رود، وجود مسکن مناسب امنیت و رفاه اجتماعی را برای خانوارهای روستایی به ارمغان می‌آورد، امروزه در جهان، در مقایسه با نواحی شهری، نواحی روستایی با محرومیت بیشتری از نظر مسکن روبرو بوده و این موضوع پایداری اجتماعی این نواحی را کاهش داده و از عوامل اصلی در بروز مهاجرت‌های این نواحی به‌شمار می‌رود.

در واقع، مسکن روستایی، تجلی گاه شیوه‌های زیستی، معیشتی و در نهایت، نیروها و عوامل مؤثر محیطی و روندهای اجتماعی- اقتصادی تأثیرگذار در شکل بخشی به آنها است (همو، ۱۳۷۳: ۵۱۱). مسکن از مهمترین عوامل تشکیل‌دهنده بافت روستایی است که متأثر از عوامل طبیعی و انسانی بوده، بنابراین هر گونه تغییر در شرایط طبیعی و انسانی، به طرق مختلف در مسکن تجلی می‌یابد (سعیدی و امینی، ۱۳۸۹: ۳۲). مسکن روستایی به علت وجود تنوع فرهنگی، موقعیت جغرافیایی متفاوت و سطح اقتصادی خانوارهای روستایی دارای تنوع بالایی بوده که این تنوع بر کیفیت مسکن و زندگی ساکنان آن مؤثر است (Yang, ۲۰۱۰: ۳۶).

رشد هدایت‌نشده فیزیکی روستاها به شکل‌گیری چشم‌انداز ناموزونی از عرصه‌های سکونتگاهی انجامیده است که فاقد روابط و پیوندهای مناسب کالبدی- فضایی در درون مناطق روستایی است. فراموش کردن مدیریت کالبدی و فضایی و بی‌توجهی به نقش قانون‌های روستایی در تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور به شکل تغییرات کالبدی نامانوس و هم‌درهم‌ریختگی فرهنگی و اجتماعی به همراه ناتوانی در نقش‌پذیری مناسب فضایی و

اقتصادی روستاهای کشور انجامیده است (سعیدی، ۱۳۸۳: ۱۶).

امروزه، از جمله مشکلات اساسی خانه‌های روستایی کشور ایران، پایین بودن کیفیت آنها از نظر روش ساخت و کاربرد مصالح ساختمانی مرغوب است. این مشکلات اساسی از عوامل آسیب‌پذیری شدید بناهای روستایی در برابر بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله از یک سو، و رانش خاک و لغزش زمین، از سوی دیگر، بوده است. به گونه‌ای که با رخ دادن هر یک از این سوانح نه تنها دام و طیور و ساختمان‌ها و اسباب و لوازم درون آنها، یعنی بخش مهمی از سرمایه‌های ملی از بین می‌رود، بلکه مهم‌تر از آن، جان سرمایه‌های انسانی یا ساکنان این گونه بناهای بی‌کیفیت هم در معرض خطر قرار می‌گیرد (شهبازی، ۱۳۸۹: ۲۳). این در حالی است که استدلال نظری و یافته‌های تجربی محققان نشان می‌دهد، بهداشت و رفاه محل زندگی انسان، ابعاد شخصیتی و ویژگی‌های فردی انسانها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (Gould, ۱۹۹۶: ۶۰, Mitchell, ۲۰۰۷: ۷۲). بر مبنای پژوهش‌های صورت گرفته، محرومیت از خدمات محلی لازم و نبود شرایط زیست‌محیطی محل زندگی افراد باعث افزایش جرم و جنایت و ایجاد آلودگی محیط زیست و کاهش فرصت‌های زندگی بهتر را برای انسان‌ها به دنبال دارد (Gleave, ۲۰۰۰: ۶۸ و Stafford, ۲۰۰۳: ۶۰). در حال حاضر ۶۴۰ میلیون انسان بدون سرپناه زندگی می‌کنند (Veltmeyer, ۲۰۱۰: ۲۴) و مشکلات مربوط به حوزه مسکن تبدیل به یک مسأله جهانی شده و جوامع و کشورهای مختلف هم با چنین مشکلی روبرو هستند. دولت‌ها برای مقابله با این مسأله طی سالهای اخیر، در کشورهای مختلف جهان، به علت آسیب‌پذیر بودن مسکن نواحی روستایی از خطرات طبیعی و همچنین ناتوانی مالی خانوارهای روستایی جهت بهسازی مسکن، برنامه‌های مختلفی را جهت بهسازی و بهبود کیفیت مسکن انجام می‌دهند (World bank, ۲۰۰۸: ۱۲). مهمترین برنامه‌های اجرا شده در زمینه بهسازی و نوسازی مسکن در کشورهای در حال توسعه می‌توان به رویکرد اعطای اعتبارات اشاره کرد. یکی از اهداف کلی اعطای اعتبارات بهبود وضعیت مسکن است (Shirazi, ۲۰۰۹: ۱۱).

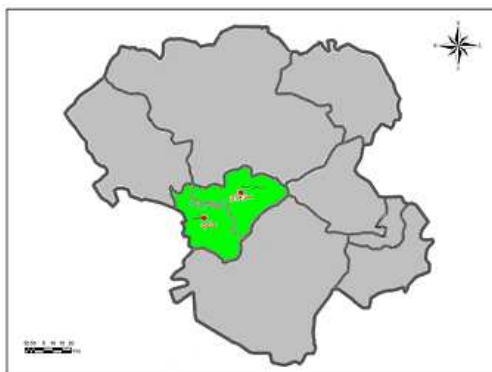
در طی دهه اخیر ارائه اعتبارات بهسازی و نوسازی مسکن در نواحی روستایی کشور توسط دولت رو به افزایش بوده است. این سیاست در ساختار و کارکرد مسکن نواحی روستایی کشور تحولاتی را ایجاد کرده است، در همین راستا در پژوهش حاضر به بررسی تحولات ساختاری-کارکردی این اعتبارات بر مسکن نواحی روستایی کشور پرداخته است.

محدوده مکانی مورد مطالعه

شهرستان ایجرود براساس آخرین تقسیمات سیاسی کشور، یکی از هفت شهرستان استان زنجان است. مرکز سیاسی - اداری شهرستان ایجرود، شهر زرین‌آباد است. این شهرستان دارای مختصات جغرافیایی ۴۷ درجه و ۴۹ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳۵ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۲۵ درجه عرض شمالی است. براساس آخرین تقسیمات سیاسی استان زنجان، شهرستان ایجرود دارای دو بخش، دو شهر و چهار دهستان به نام‌های ایجرود بالا، سعیدآباد، گلابر و ایجرود پایین است. شهرستان ایجرود در سال ۱۳۸۵ دارای ۳۳۲۸۸ نفر جمعیت روستایی بوده که این تعداد در ۷۶ روستای مسکون این محدوده زیستی زندگی می‌کنند.

جامعه آماری و روش پژوهش

این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی پیروی می‌نماید. در روش توصیفی، به آنچه که به‌عنوان مسائل عینی و قابل درک می‌باشند، پرداخته شده است. با توجه به مستندات، مشاهدات و بررسی‌های صورت گرفته و واقعیت‌های موجود و آنچه که در حال حاضر وجود دارد، به بحث تحلیل اقدام شده است. آزمون فرضیات با استفاده از چارچوب منطقی و سیستمی مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. در جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، از مطالعات کتابخانه‌ای، پرسشنامه، مشاهده مستقیم و انجام مصاحبه، بهره گرفته شده است. از نظر بُعد مکانی، شهرستان ایجرود به‌عنوان محدوده مورد مطالعه انتخاب شده و مسکن مشمول طرح بهسازی مسکن روستایی هم از نظر موضوعی، در این بررسی مورد توجه قرار گرفته‌اند. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل ۲۶۶۴ خانوار روستایی دریافت‌کننده اعتبارات نوسازی مسکن و در محدوده زمانی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۸۴ است. برای بدست آوردن نمونه مورد نظر از فرمول اصلاح شده کوکران، تعداد ۲۶۰ نمونه لازم (خانوار) بدست آمد. انتخاب خانوارها در سطح هر روستا به صورت تصادفی ساده بوده تا اصل فرصت برابر به منظور انتخاب خانوارها رعایت شده باشد.



نقشه ۱: موقعیت شهرستان ایجرود در استان زنجان

بررسی تحولات ساختاری - کارکردی مسکن سکونتگاه‌های روستایی

یافته‌های پژوهش در ارتباط با تحولات مسکن در محدوده مورد مطالعه و در شاخص‌هایی چون تعداد طبقات، مساحت مسکن و تعداد اتاق‌ها قبل و بعد از نوسازی نشان‌دهنده ایجاد تغییرات گسترده این مسکن و در ابعاد یاد شده هستند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، در خصوص برخورداری مسکن از نظر تعداد طبقات، قبل از طرح نوسازی و بهسازی مسکن روستایی، میانگین طبقات برای هر واحد مسکونی در محدوده مورد مطالعه برابر با ۱.۴۳ طبقه بوده است که بعد از عملیات نوسازی به ۱/۶۲ رسیده است. همچنین بر تعداد مسکن دو طبقه هم به نسبت گذشته افزوده شده است و از تعداد مسکن یک طبقه کاسته شده است. لازم به ذکر است گرایش به انجام فعالیت‌های خدماتی به سبب رونق یافتن این فعالیت سبب گردیده است. این امر در بین جامعه روستایی با الگوبرداری از مسکن شهری، سبب شده تا طبقات پایین واحد مسکونی جدیدالحداث به مغازه اختصاص یابند. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد مساحت مسکن قبل و بعد از نوسازی دچار تغییرات فراوانی شده است، بدین صورت که اکثر مسکن جدید با کاهش میزان در مساحت خود روبرو هستند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، میانگین مساحت مسکن روستایی محدوده مورد مطالعه قبل از نوسازی ۲۴۸ متر بوده است که این رقم بعد از نوسازی به ۲۳۳ متر کاهش پیدا کرده است. شهرگرایی، غلبه فرهنگ شهری، مصرف‌گرایی، حذف فضاهای متعدد تولیدی - تدارکاتی از مسکن و تبدیل واحد مسکونی، تنها به واحدی زیستی - استراحتی و از سویی کافی نبودن میزان

تسهیلات و اعتبارات بانکی طرح بهسازی و نوسازی مسکن، روستایان را مجبور به کاهش زیربنای مسکن خود نسبت به گذشته، نموده است.

در ارتباط با تعداد اتاق‌ها، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، قبل از طرح بهسازی و نوسازی میانگین تعداد اتاق‌ها در محدوده مورد مطالعه برابر با ۲/۶۴ اتاق در هر واحد مسکونی بوده است که بعد از اجرای طرح نوسازی این رقم به ۲/۱۴ اتاق کاهش پیدا کرده است. یکی از ویژگی‌های هر واحد مسکونی روستایی در سکونتگاه‌های روستایی استان زنجان وجود کارگاه تولید فرش دستباف، تنورخانه برای پخت نان و محل تولید محصولات کشاورزی بوده است. اما امروز به جرأت می‌توان بیان داشت بندرت در سطح روستا، خانواری اقدام به پخت نان نمی‌کند. نان موردنیاز یا از نانوايي‌های موجود در سطح روستا و یا به‌طور روزانه از شهر، خریداری می‌شود.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد به علت گسترش سبک و الگوبرداری از معماری شهری و بهره‌گیری از مصالح غیربومی استفاده از مصالح بومی در مسکن روستایی جایگاه خود را از دست داده است. همچنین به سبب این امر کارکرد تولیدی- معیشتی مسکن روستایی در تحولات کالبدی صورت گرفته دچار تغییرات فراوانی شده است. مسکن جدیداحداث شده به سبب طرح بهسازی فاقد کارکرد تولیدی بوده و مسکن فوق تنها کارکرد زیستی و اقامتی پیدا نموده‌اند. تمایل شدید روستائیان به الگوبرداری از مسکن شهری با استفاده از مصالح غیربومی منجر به تغییر اشتغال از بخش کشاورزی به فعالیت‌های خدماتی در نقاط شهری شده است.



تصویر ۱: ترکیب سنگ، آجر، بلوک سیمانی، سفال در مسکن



تصویر ۲: ورود زایعات ساختمانی از شهر به روستا جهت احداث مسکن

جدول ۱: تحولات مسکن روستایی بعد از نوسازی مسکن

تعداد اتاق			مساحت مسکن			تعداد طبقات		
بعد	قبل	تعداد اتاق	بعد	قبل	مساحت	بعد	قبل	تعداد طبقات
۵۱.۵۳	۲۱.۹۲	۱-۲	۱۶.۹۲	۱۷.۶۹	زیر ۱۰۰ متر	۳۹.۲۳	۵۷.۳	یک طبقه
۲۸.۴۶	۴۳.۰۷	۲-۳	۴۱.۵۳	۳۶.۹۳	۱۰۰-۲۰۰	۵۲.۷	۴۲.۷	دو طبقه
۱۰.۷۶	۱۸.۰۷	۳-۴	۲۸.۴۶	۲۷.۳۰	۳۰۰-۴۰۰	۸.۴۶	-	سه طبقه
۹.۲۳	۱۶.۵۳	بالای ۴ اتاق	۱۳.۰۷	۱۸.۰۷	بالای ۴۰۰ متر	-	-	چهار طبقه
۲.۱۴	۲.۶۴	میانگین	۲۳۳	۲۴۸	میانگین	۱.۶۲	۱.۴۳	میانگین

منبع: یافته‌های پژوهش



تصاویر ۳: مسکن روستایی ایجاد شده به سبب اجرای طرح بهسازی و نوسازی مسکن روستایی

بررسی وضعیت کیفی مساکن قبل و بعد از نوسازی

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، از نظروضعیت برخورداری مساکن روستایی از نظر پی ساختمان، حدود ۵۷ درصد مساکن قبل از اجرای طرح فاقد پی بوده‌اند که این رقم بعد از طرح نوسازی به صفر درصد رسیده است. بررسی‌های موجود در محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد، حدود ۴۷.۶۹ درصد مساکن جدیدالحداث دارای پی بتنی هستند. از نظر نوع اسکلت به‌کار رفته در مساکن روستایی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، قبل از نوسازی مساکن، اسکلت حدود ۸۲ درصد مساکن از نوع خشتی بوده است که این رقم بعد از نوسازی به صفر رسیده است. با اجرای طرح نوسازی حدود ۴۷ درصد مساکن روستایی دارای اسکلت فلزی هستند. از نظر نوع دیوارساخته شده در مساکن روستایی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، قبل از نوسازی مساکن دیوار حدود ۶۸.۴۶ درصد مساکن روستایی از نوع خشت و گل بوده که این رقم بعد از نوسازی به صفر درصد کاهش پیدا کرده است. امروز بعد از نوسازی حدود ۳۳ درصد دیوارهای بکار رفته در مساکن از نوع بلوک سیمانی بوده است. از نظر نوع عایق به‌کار رفته در ساختمان یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، قبل از نوسازی حدود ۴۷ درصد عایق مساکن از نوع خشتی و کاه و گل بوده که این رقم بعد از نوسازی به صفر درصد رسیده است و با اجرای طرح مزبور حدود ۳۵ درصد عایق بام‌های مساکن روستایی از نوع ایزوگام است.

جدول ۲: وضعیت کیفی مساکن قبل و بعد از طرح نوسازی و بهسازی مسکن

نوع پی			نوع دیوار			نوع اسکلت			نوع عایق		
بی مساکن	قبل	بعد	بی مساکن	قبل	بعد	اسکلت مساکن	قبل	بعد	عایق مساکن	قبل	بعد
بدون پی	۵۷.۳۰	-	بدون پی	۶۸.۴۶	-	خشتی	۸۲.۳۰	-	خشتی و کاه و گل	۴۷.۶۹	-
سنگی	۴۲.۶۹	۵۲.۶۹	آجری	۲۷.۶۹	۶۶.۹۲	آجری	۱۷.۶۹	۵۲.۶۹	قیر و آسفالت	۳۹.۲۳	۶۴.۶۱
بتنی	-	۴۷.۶۹	بلوک سیمانی	۳۸.۴	۳۳.۰۷	فلزی	-	۴۷.۳۰	ایزوگام	۱۳.۰۷	۳۵.۳۸
شناز پی	-	-	جمع	۱۰۰	۱۰۰	بتن آرمه	-	-	جمع	۱۰۰	۱۰۰
جمع	۱۰۰	۱۰۰	جمع	۱۰۰	۱۰۰	جمع	۱۰۰	۱۰۰	جمع	۱۰۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش



تصاویر ۴: مسکن روستایی نیمه کاره به جهت کمبود منابع مالی

بررسی امکانات مسکن قبل و بعد از نوسازی

در ادامه پژوهش به بررسی امکانات مسکن قبل و بعد از نوسازی پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده امکانات مسکن روستایی بعد از نوسازی دچار تحولات فراوانی شده است. برای نمونه یافته‌ها نشان می‌دهد، قبل از نوسازی تنها ۱۴ درصد مسکن دارای گاز شهری بوده‌اند که این رقم بعد از نوسازی به ۳۶/۱۵ درصد افزایش پیدا کرده است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد، قبل از نوسازی ۴۱ درصد مسکن دارای تلفن بوده‌اند که این رقم بعد از نوسازی به ۹۸ درصد افزایش پیدا کرده است.

جدول ۳: بررسی امکانات مسکن قبل و بعد از نوسازی

امکانات	قبل	بعد
گاز	۱۴.۲۳	۳۶.۱۵
برق	۱۰۰	۱۰۰
تلفن	۴۱.۱۵	۹۸.۸۴
آب لوله کشی	۷۲.۶۹	۷۶.۳
پارگینگ	۷۱.۹۲	۲۸.۴۶
سند مالکیت	۳۶.۱۵	۹۰.۳
حمام	۴۷.۶۹	۷۳.۵
آشپزخانه	۱۸.۰۷	۷۸.۴۶

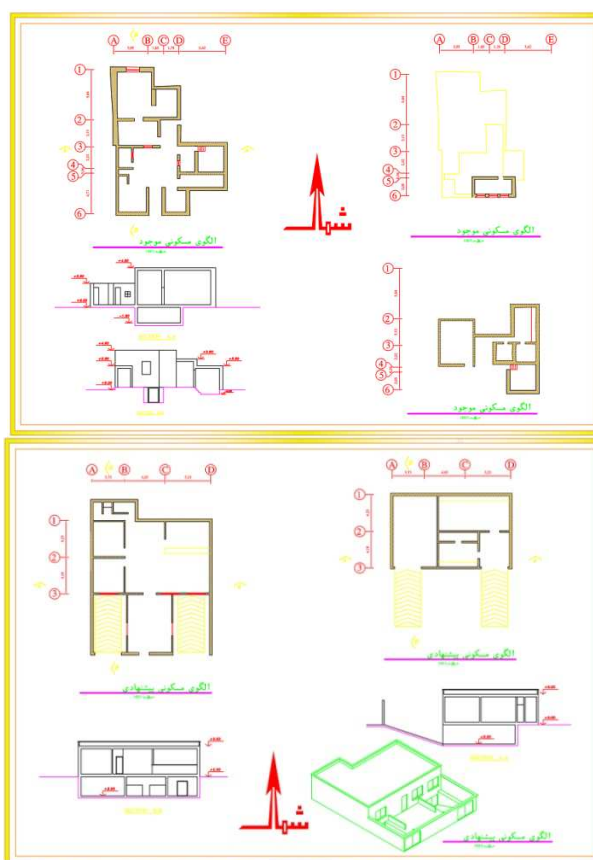
منبع: یافته‌های پژوهش

دگردیی در فعالیتهای معیشتی خانوارهای روستایی قبل و بعد از نوسازی

در ادامه پژوهش به بررسی دگردیی در فعالیتهای معیشتی خانوارهای روستایی و قبل و بعد از نوسازی مسکن روستایی پرداخته شده است. در این ارتباط به بررسی ساختارهای مسکن روستایی که نقش مهمی در تأمین معیشت روستاییان دارند پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده ساختارهای مهم مسکن روستایی که تاکنون نقش مؤثری در اقتصاد و معیشت روستاییان است، با کاهش و تغییرات زیادی همراه بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، بعد از نوسازی مسکن روستایی عناصری همچون آغل (طویله)، محل نگهداری ماکیان، محل نگهداری سوخت حیوانی و گیاهی، محل نگهداری علوفه، کارگاه تولید فرش، محل نگهداری ادوات کشاورزی، انبار محصولات کشاورزی، حوض و باغچه و همچون ایوان و تنورخانه بعد از نوسازی در معماری مسکن روستایی حذف گردیده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، مسکن روستایی جدید تنها کارکرد زیستی داشته و جنبه تولیدی و تدارکاتی آن از بین رفته است. در محدوده مورد مطالعه و در میان مسکن سنتی و قدیمی موجود، اغلب خانه‌ها دارای دو طبقه بوده‌اند که طبقه اول بیشتر اختصاص به عناصری مانند آغل (طویله)، محل نگهداری سوخت، محل نگهداری علوفه و ... داشته است. طبقه دوم هم جهت سکونت مورد استفاده قرار می‌گرفته است. اما مسکنی که امروزه به سبب اجرای طرح نوسازی و بهسازی، نوساز گردیده‌اند، فاقد این عناصر هستند. در ساخت خانه‌های نوساز حتی به جنبه‌های اقلیمی و سرمایش و گرمایش آن هم توجهی نشده است. عناصری همچون بام، جهات جغرافیایی ساختمان، نورگیرها، بازشوها و پنجره‌ها، بدون توجه به شرایط اقلیمی و تمامی از سبک و الگوی شهری تبعیت نموده‌اند. با توجه به برخورداری از یارانه‌هایی همچون برق و گاز به جرأت می‌توان بیان داشت میزان مصرف و هدر رفت انرژی در مسکن روستایی جدید به سبب فقدان استاندارد و عدم عایق‌بندی مناسب ساختمان و عدم رعایت مسائل فنی بالا است.



تصویر ۵: نمای داخلی یک واحد مسکونی جدید
تصویر ۶: نمای بیرونی مسکن جدید الحداث



تصاویر ۷: پلان مسکن روستایی، قبل و بعد از اجرای طرح بهسازی و نوسازی

جدول ۴: تحولات رخ داده در عناصر مساکن روستایی قبل و بعد از طرح نوسازی مسکن

نوع فضا	قبل	بعد
آغل (طویله)	۸۲.۶۹	۱۳.۰۷
محل نگهداری سوخت	۴۶.۵۳	۸.۸۴
محل نگهداری علوفه	۸۴.۶۱	۱۶.۱۵
گارگاه تولید فرش	۲۰.۷۶	۲.۶۹
محل نگهداری ادوات کشاورزی	۸۵.۷۶	۳۴.۲۳
انبار محصولات کشاورزی	۴۸.۴۶	۸.۰۷
گارگاه تولید محصولات کشاورزی	۱۵.۱۵	۲.۳۰
محل نگهداری طیور	۹۳.۰۷	۱۹.۶۱
ایوان	۶۷.۳۰	۰
حوض	۵۶.۵۳	۱۹.۶۱
باغچه	۸۲.۳۰	۲۷.۶۹
تنور جهت پخت نان	۸۸.۴۶	۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در ادامه پژوهش به بررسی تحولات رخ داده در وضعیت اشتغال افراد در خانوارهای روستایی بعد از نوسازی مسکن و همچنین تمایل آنها جهت فعالیت در بخش‌های مختلف اقتصاد روستایی پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد به سبب عدم تنوع شغلی خانوارهای روستایی و ضعف در بنیان‌های اقتصاد روستایی و کشاورزی تمایل افراد به انجام فعالیت در بخش‌های غیرتولیدی و خدماتی افزایش پیدا کرده است. همچنین یافته‌های مزبور نشان می‌دهد، قبل از نوسازی مساکن روستایی میانگین تنوع فعالیت‌های اقتصادی در خانوارهای روستایی که از این فعالیت‌ها، کسب درآمد کرده و اقتصاد خانوار و معیشت آنان تأمین می‌شده، حدود ۲/۳ شغل بوده است که این رقم بعد از اجرای طرح نوسازی مسکن به ۱/۶۵ شغل کاهش پیدا کرده است. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، خانوارهای روستایی بعد از نوسازی مسکن تمایل کمتری جهت فعالیت در فعالیت‌های دامداری، زراعی

و باغداری دارند. علت این امر بیشتر به خاطر نبود درآمدهای پایدار در بخش کشاورزی، تغییر در گرایش و سبک زندگی و تحولات مکانی - فضایی حادث شده در محدوده مورد مطالعه است.

جدول ۵: تحولات رخ داده در اشتغال خانوارهای روستایی بعد از طرح نوسازی و بهسازی مسکن

معرف	هیچ	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
تمایل به انجام فعالیتهای دامداری	۲۸.۶	۳۴.۳	۲۰	۱۱.۴	۵.۷
تمایل به انجام فعالیتهای زراعی	۱۷.۱	۳۱.۴	۲۵.۷	۱۷.۱	۸.۶
تمایل به انجام فعالیتهای کارگری	۱۲.۹	۲۲.۹	۲۱.۴	۲۲.۹	۲۰
تمایل به انجام فعالیتهای روزمزد	۱۱.۴	۲۷.۱	۲۵.۷	۲۰	۱۵.۷
تمایل به انجام فعالیتهای صنایع دستی	۲۰	۳۵.۷	۲۱.۴	۱۴.۶	۸.۳
تمایل به انجام فعالیتهای باغداری	۱۸.۶	۴۱.۴	۳۱.۴	۶.۸	۱.۷
تمایل به انجام فعالیتهای اقتصادی در شهر یا روستاهای اطراف	۲۰	۳۵.۷	۲۵.۷	۱۴.۳	۴.۳
تمایل فرزندان جهت انجام فعالیت اقتصادی در روستا	۲۲.۹	۳۴.۳	۳۲.۹	۷.۱	۲.۹

منبع: یافته‌های پژوهش



تصویر ۹: الگوبرداری از مسکن شهری



تصویر ۸: تغییر کارکرد مسکن روستایی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انسان در کنش خویش بر آنست تا محیط طبیعی را به محیط جغرافیایی، یعنی محیطی که انسانها آن را در بوته گذشته تاریخی خود ساخته و سپس پرداخت کرده‌اند مبدل کند و این رویدادی نو در عرصه تاریخ جهان است (دولفوس، ۱۳۷۴: ۳۷). طی شصت سالی که از شکل‌گیری نظام مدون توسعه در کشور می‌گذرد، تامین فضای سکونتگاهی شهری و روستایی و مسکن مناسب همواره بخشی از برنامه‌ها را به خود اختصاص داده است. علی‌رغم توجهی که در برخی برنامه‌ها خصوصاً پس از انقلاب اسلامی، در مورد روستاها صورت گرفته به‌نظر می‌رسد تا تحقق فضای زیستی کالبدی مناسب کماکان فاصله بسیار است (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۵: ۴۷).

از نمودهای اصلی اثرگذاری و اثرپذیری متقابل انسان و محیط پیرامونش، پدیده مسکن است. این ویژگی مخصوصاً در نواحی روستایی دارای جلوه و نقش بیشتری است. مسکن در نواحی روستایی به دلیل ایفای کارکردهای مختلف، دارای نقش بی‌بدیلی در زندگی مردم روستایی داشته و دارد و هر گونه تغییری در کالبد و فضای آن، تحولات فراوانی را در ویژگی‌های مکانی- فضایی روستایان به همراه داشته است. از دیرباز تاکنون همواره انسان به دنبال بهبود کیفیت مسکن خود است. این امر به خصوص در نواحی روستایی که دارای مسکنی با کیفیت پایین هستند، امروزه از ابعاد و جنبه‌های گوناگونی بررسی شده است. در طی سالهای اخیر، از مهمترین برنامه‌های اجرا شده، جهت بهبود کیفیت مسکن روستایی، اعطای اعتبارات نوسازی و بهسازی مسکن روستایی است، که در حال حاضر با آثار و نتایج متفاوتی همراه بوده است. در همین راستا پژوهش حاضر به بررسی اثرات طرح بهسازی و نوسازی، بر ویژگی‌های ساختاری- کارکردی مسکن روستایی پرداخته است.

کارکرد سکونتگاه‌های روستایی، به‌طورکلی، به دو جنبه بنیادی بستگی و ارتباط دارند: نخست ساختار کالبدی و اجتماعی- اقتصادی روستا و دیگر، اهداف متصور برای جماعت روستایی. بر این مبنا، کارکردهای مختلف روستاها که از لحاظ مفهومی شامل مجموعه فعالیتها و ارتباطات ناشی از آنهاست، با توجه به این اهداف و ساختارها پدیدار و امکان‌پذیر می‌گردند. انواع کارکردهای سکونتگاه‌های روستایی را می‌توان با توجه به نیازهای بنیادی گروههای انسانی به‌عنوان کارکردهای اساسی اجتماع روستایی مورد بحث قرار داد. کارکردهای اساسی

سکونتگاه‌های روستایی، به‌طور کلی عبارتند از: زندگی اجتماعی، مسکن‌گزینی، تأمین مایحتاج زیستی، اشتغال و فعالیت، آسایش و استراحت، آموزش و یادگیری، حرکت و جابجایی و برقراری ارتباط (سعیدی، ۱۳۸۸: ۲۴۹).



تصویر ۱۰: فضاهای یک خانه روستایی جدید

با بررسی فضاهای موجود در مسکن روستایی شهرستان ایجرود، بیشترین فضای مسکن روستایی، اختصاص به فضای زیستی - معیشتی داشته است که با توجه به اجرای طرح بهسازی و نوسازی مسکن روستایی این فضا به فضای زیستی تغییر ماهیت داده است. درحقیقت با مدرن شدن مسکن روستایی به تبعیت از سبک و الگوی مسکن شهری و تغییرات در کمیت و کیفیت

مسکن روستایی به طور طبیعی تجلیگاه شیوه زیستی - معیشتی گروههای روستایی به شمار می‌رود و الگو و کارکردهای آن در پیوند با عرصه مکانی - فضایی، به مثابه دریچه‌ای است به شناخت چشم‌انداز و روندهای حاکم بر زندگی و فعالیت روستا (سعیدی، ۱۳۸۷: ۷۴۵). طرح بهسازی و نوسازی مسکن روستایی در چند ساله اخیر نقش بارزی را در ایجاد تحولات فضایی - کالبدی روستاهایی که طرح در آن مکان به اجرا درآمده است، به همراه داشته است. شاید در نگاه اول، انتظار از این طرح بهبود و تناسب بافت کالبدی مسکن روستایی بوده است، ولی به‌ثمر رسیدن این طرح در اکثر روستاها نتیجه خلاف این امر را نشان می‌دهد.

مسکن روستایی ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، کارکرد و کارکرد خاصی دارد، ولی با توجه به بررسی‌های صورت پذیرفته، اولین کارکردی که به‌سبب اجرای طرح بهسازی و نوسازی مسکن از نظام مزبور حذف شده است، کارکرد تولیدی - تدارکاتی آن بوده است. درحقیقت طرح بهسازی با توجه به روش و ماهیت کارکردی خود، درحال حاضر اقدام به جداسازی و حذف فضاهای تولید، از مسکن روستایی نموده است. فضای تولیدی مسکن روستایی یکی از جنبه‌ها و کارکردهای اساسی مسکن روستایی است که به‌سبب تحولات کالبدی صورت گرفته در حال رنگ باختن از نظام مزبور است.

با توجه به ارائه تسهیلات و مالی و اعتباری از سوی نهادهای دولتی همانند بنیاد مسکن، کمیته امداد، جهاد کشاورزی و بانک‌های عامل دیگر برای ایجاد و تکمیل واحدهای تولیدی مسکونی و کشاورزی، روستائیان جهت دریافت و استفاده از منابع اعتباری متعدد که دارای بهره بانکی خیلی کمی هم هستند، اقدام می‌نمایند.

در ابتدای اجرای طرح نوسازی و بهسازی مسکن روستایی، مبلغ وام اختصاص یافته حدود ۵ میلیون تومان بوده است که این میزان با توجه به دیدگاه‌های بنیاد مسکن و رسیدن به سقف تولید ۲۰۰ هزار مسکن، در نقاط روستایی، هر سال حدود ۱۵ درصد مبلغ وام تخصیصی، افزایش پیدا می‌نماید. بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار، میزان تسهیلات بهسازی و نوسازی مسکن روستایی در سال ۱۳۹۱ از مبلغ ۱۰ میلیون تومان به ۱۲/۵ میلیون تومان افزایش پیدا کرده است. با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده نرخ سود بانکی، وام بهسازی بین ۴ تا ۷ درصد متغیر و مدت زمان بازپرداخت آن هم با توجه به توان مالی فرد دریافت‌کننده حداکثر ۴ سال در نظر گرفته شده است.

در ساخت مسکن عواملی نظیر هزینه مصالح ساختمانی، نیروی فنی و خدماتی و در بعضی مواقع هزینه خرید زمین به نقش آفرینی می‌پردازند. با توجه به بررسی‌های صورت پذیرفته به سبب افزایش هزینه‌های ساخت مسکن در کشور و گرانی مصالح ساختمانی و عدم توانایی مالی اکثر سازندگان مسکن روستایی در محدوده مورد مطالعه، مسکن‌های حادثی به سبب این عوامل یا به صورت نیمه‌کاره رها شده و یا برای کاهش هزینه‌های جاری و تکمیل آن، اقدام به کاهش زیربنا و حذف فضاهای تولیدی - تدارکاتی کرده‌اند.

در حقیقت فقدان توانایی مالی روستاییان و یا عدم رغبت بیشتر به سرمایه‌گذاری در این پدیده، مسکن روستایی را اتوماتیک‌وار از کارکرد زیستی - معیشتی خود خارج کرده است. از سویی تفکر و ماهیت بهسازی و نوسازی مسکن روستایی، تنها به بهبود شرایط زیست در این مسکن پرداخته و فضای تولید در این مسکن به سبب ماهیت و کارکرد طرح بهسازی و نوسازی مسکن، جایگاهی ندارند.

از سوی عدم توجه متولیان توسعه و عمران روستایی به کلیت پیچیده مسکن روستایی و کارکردهای خاص آن و فقدان وحدت نظر و رویه بین نهادهای پشتیبان و اثرگذار، در حال حاضر شرایط سخت و بغرنجی را برای این نظام ایجاد نموده‌اند.

نهادهایی همچون جهاد کشاورزی و بانک‌های عامل با ارائه تسهیلات بانکی متعدد که اکثراً خارج از نظام نظارتی و مدیریتی است، خیل فراوانی از روستاییان را برای دریافت وام‌های کشاورزی، همانند احداث واحدهای دامداری، پرورش زنبور عسل، فرش‌بافی، احداث گلخانه و غیره را روانه بانک‌های عامل همانند بانک کشاورزی کرده است؛ و تنها درصد ناچیزی از این دریافت‌کنندگان وام، اقدام به تکمیل و یا احداث واحدهای تولید کشاورزی در سطح روستا کرده‌اند و متأسفانه اکثر وام‌گیرندگان وام‌های دریافت شده را با سندسازی و روش‌هایی غیرمعارف دریافت و اقدام به سرمایه‌گذاری در بازار بورس، خرید خانه و زمین در شهر، خرید مسکن مهر، خرید اتوموبیل، ارز و طلا و غیره کرده‌اند.

با توجه به تسهیلات ارتباطی و خدماتی مناسب در این شهرستان و برخوردار بودن ساکنان روستایی از امکان خودرو شخصی، اکثر مسکن روستایی به خانه دوم روستاییان تبدیل شده‌اند. ساخت ویلا در مزارع، ساخت خانه در سطح روستا، تنها به سبب بهره‌برداری از منابع متعدد مالی - تسهیلاتی دولتی، روستاییان را با تابعیت و هویتی دوگانه روبرو نموده است.

این افراد برای برخورداری از این منابع و تسهیلات دارای دو پایگاه روستایی - شهری و دو شغل کشاورزی و خدماتی بوده و از این ویژگی، به سبب فرصت‌های ایجاد شده، بهره‌های مادی فراوانی را نسبت به ساکنان شهری اخذ می‌نمایند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد؛ اجرای طرح بهسازی و نوسازی در محدوده مورد مطالعه، دگرگونی ساختاری - کارکردی مسکن روستایی را به همراه داشته است، به گونه‌ای از عناصر سنتی مسکن در محدوده مورد مطالعه کاسته شده و مسکن جدید کاملاً با سبک معماری شهری طراحی و ساخته شده و یا در حال در حال ساخت هستند. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دگرگونی ساختاری - کارکردی مسکن روستایی منجر به دگردیسی در فعالیت‌های معیشتی خانوارهای روستایی شده است و همین امر خود سبب کاهش فعالیت خانوارهای روستایی در بخش کشاورزی و تمایل آنها جهت کار فعالیت در بخش خدمات شده است. در نهایت اینگونه می‌توان بیان داشته نگاه تک‌بعدی و بدون تفکر توسعه، چیزی جز هدر رفت سرمایه‌های مادی کشور و ایجاد نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تحولات منفی و شدید در سکونتگاه‌های شهری و روستایی را، به همراه نخواهد داشت. روستا و عناصر کالبدی و فضایی آن نظامی پیچیده است و برای انجام هر طرح و فعالیتی در این نظام، باید به کلیت و ماهیت نظام‌وار آن، توجه اساسی و بنیادی گردد.

در نهایت، تحولات ایجاد شده در ویژگی‌های کالبدی - فضایی مسکن روستایی را به سبب اجرای طرح نوسازی و بهسازی مسکن روستایی در محدوده مورد مطالعه می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود.

- غلبه مصالح شهری و حذف مصالح بومی در مسکن ایجاد شده؛
- یکنواختی شکل مسکن جدید و غلبه الگوی و معماری شهری؛
- حذف فضای تولیدی - تدارکاتی و غلبه فضای زیست براین نظام؛
- عدم توجه به ویژگیهای اقلیمی، فرهنگی و اجتماعی در مسکن جدید؛
- کوچک شدن ابعاد مسکن و حذف فضاهای کار و تولید؛
- استفاده از نما و فراموشی هویت معماری سنتی روستایی با غلبه سبک مسکن شهری؛
- عدم توجه به زیبایی شناختی مسکن روستایی؛

- تبدیل مساکن روستایی به خانه دوم روستاییان؛
- گرایش به شهرگرایی و شهرنشینی به سبب ایجاد مساکن جدید احداث شده؛
- ورود خانه‌های مدرن به همراه مظاهر شهری همانند اتومبیل، گیرنده‌های ماهواره، درب و پارکینگ؛
- ایجاد فاصله‌های اجتماعی و ایجاد شکاف مکانی- فضایی بین خانه‌های جدید و قدیم موجود در روستا.

کتابشناسی

۱. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۸۶)، گزارش بهسازی مسکن روستایی؛
۲. دولفوس، اولیویه (۱۳۷۴)، فضای جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، انتشارات نیکا، تهران؛
۳. سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۵)، مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷؛
۴. سعیدی و حسینی حاصل (۱۳۸۸)، شالوده مکانیابی و استقرار روستاهای جدید، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران؛
۵. سعیدی، عباس (۱۳۸۳)، مسایل و چشم‌انداز عمران و توسعه روستایی در ایران، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۰۸، صص ۱۴-۳؛
۶. سعیدی، عباس و فریبا امینی (۱۳۸۹)، ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکردی مسکن روستایی، فصلنامه جغرافیا، سال هشتم، شماره ۲۷، صص ۴۴-۲۹؛
۷. سعیدی، عباس (۱۳۸۹)، محیط، فضا و توسعه، بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستایی-شهری، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۱؛
۸. سعیدی، عباس (۱۳۷۴)، الزامات اجتماعی-اقتصادی در ساخت و ساز مسکن روستایی، مجموعه مقالات سمینار سیاستهای توسعه مسکن در ایران؛
۹. سعیدی، عباس (۱۳۸۸)، سطح‌بندی روستاهای کشور، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران؛
۱۰. سعیدی، عباس (۱۳۸۹)، توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی، ده مقاله در شناخت سکونتگاه‌های روستایی. نشر مهر مینو، تهران؛
۱۱. سعیدی، عباس (۱۳۷۷)، مبانی جغرافیای روستایی، انتشارات سمت، تهران؛
۱۲. سعیدی، عباس (۱۳۸۹)، ده مقاله در شناخت سکونتگاه‌های روستایی، نشر مهر مینو، تهران؛
۱۳. شهبازی، اسماعیل (۱۳۸۹)، درآمدی بر آسیب‌شناسی توسعه روستایی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی؛

14. Gould MI, Jones K (1996), Analyzing perceived limiting long-term illness using U.K. Census Microdata. SocSciMed;pp;
15. Stiglitz, J., Sen. A., Fitoussi, B (2009), Report by the Commission on the Measurement of Economic Performance and Social Progress, www.stiglitz-sen-fitoussi;
16. Mitchell R, Gleave S, Bartley M, Wiggins D (2000), Joshi H. Do attitude and area influence health? A multilevel approach to health inequalities;
17. Veltmeyer, H (2010), The Poverty Report Ideas, Policies and Pathways, Development Forum ,Canadian Association for the Study of International Development;

18. World Bank (2008), **Housing Reconstruction in Urban and Rural Areas;**
19. SHIRAZI, shah (2009), **role of Pakistan poverty alleviation fund's micro credit in poverty alleviation, A Case of Pakistan, Pakistan Economic and Social Review, Pakistan Economic and Social Review Volume 47, No. 2;**
20. YANG, Xudong, Yi JIANG, Ming YANG, Ming SHA (2010), **Energy and environment in Chinese rural housing: Current status and future perspective. Energy Power Eng. China.**